Scientific journal of Intelligence Horizons

Geopolitical and Legal Hazards in the South Caucasus: A Case Study of the Zangezur Corridor and Challenges to Iran's National Security

Ali Mohammadpour,*[1], Mahsa Tatari[2]

۸
Year 2
Winter 1404
Research paper
:Date received
۱٤۰٤/۰۶/۰۳
:Date accepted
۱٤۰٤/۰۶/۲۵
Pages: 156-179

Abstract

This study examines the geopolitical and legal risks of the Zangazur Corridor in the South Caucasus and its implications for Iran's national security. The Zangazur Corridor, a transit route connecting the Republic of Azerbaijan with Nakhchivan through Armenia's Syunik province, poses a direct challenge to territorial sovereignty and integrity by granting long-term development and management rights to an international consortium while limiting Armenia's operational control. Using a qualitative approach, content and thematic analysis of secondary sources, including legal documents, scholarly articles, and news reports, the study identifies the corridor's geopolitical, legal, and security consequences. Findings indicate that the corridor's activation reduces Iran's role in north–south and east–west transit networks, strengthens the influence of extraregional actors, and reconfigures the balance of power in the South Caucasus. Furthermore, legal ambiguities surrounding the corridor create potential threats to Armenia's governance stability and may establish risky precedents in territorial international law. The study highlights that managing Zangazur's risks requires an integrated approach combining geopolitics, international law, and national security to mitigate adverse effects on Iran.

Keywords: Zangazur Corridor, Geopolitical–Legal Risks, Iran's Security, South Caucasus, Cross-Border Transit Regime National

۱. PhD in Political Geography, Faculty Member of Malek Ashtar University and Director of the Regional Studies Center of the Geographical Organization of the Armed Forces, Email (Nta@235Qme.mut.ac.ir(

۲. PhD student of Political Geography, Kharazmi University, Expert of the Center for Regional Studies, Geographical Organization of the Armed Forces), Email (Mahsa.t4348@gmail.com

نشریه علمی آفاق اطلاعات

المخاطر الجيوسياسية والقانونية في جنوب القوقاز: دراسة حالة لممر زانغزور وتحديات الأمن القومي الإيراني

علی محمد بور [1*]، مهسا تاتاری [2]

٨
السنة الثانيه
الشتاء ١٤٠٤
ورقة بحثية
تاريخ الاستلام:
١٤٠٤/٠٦/٠٣
تاريخ القبول:
١٤٠٤/٠٦/٢٥
الصفحات: ١٧٩-١٥٦

ملخص

تحلل هذه الدراسة المخاطر الجيوسياسية والقانونية لممر زانغزور في جنوب القوقاز، وتداعياتها على الأمن القومي الايراني. يُمثل ممر زانغزور، وهو طريق عبور بين جمهورية أذربيجان ونخجوان عبر مقاطعة سيونيک الأرمينية، تحديًا مباشرًا للسيادة الإقليمية والسلامة الإقليمية، إذ يمنح حقوق التطوير والإدارة طويلة الأجل لتحالف دولي، ويُقيد سيطرة أرمينيا العملياتية. وباستخدام منهجية نوعية، وتحليل المحتوى والموضوعات لمصادر ثانوية، بما في ذلک الوثائق القانونية والمقالات الأكاديمية والتقارير الإخبارية، تم تحديد التداعيات الجيوسياسية والقانونية والأمنية لهذا الممر. تُظهر النتائج أن تفعيل ممر زانغزور سيُقلل من دور إيران في شبكات النقل بين الشمال والجنوب والشرق والغرب، ويُعزز نفوذ الجهات الفاعلة العابرة للأقاليم، ويُعيد تشكيل موازين القوى في جنوب القوقاز. إضافةً إلى ذلک، يُشكل الغموض في التعريف القانوني للممر تهديدات محتملة لاستقرار السيادة الأرمينية، ويُؤدي إلى ممارسات محفوفة بالمخاطر في القانون الدولي الإقليمي. تُبين هذه الدراسة أن إدارة مخاطر ممر زانغزور تتطلب نهجًا متكاملًا بين الجغرافيا السياسية والقانون الدولي والأمن القومي للحد من آثاره السلبية على إيران.

الكلمات المفتاحية: ممر زانغزور، المخاطر الجيوسياسية والقانونية، الأمن القومي الإيراني، جنوب القوقاز، نظام العبور عبر الحدود.

١ . حاصل على درجة الدكتوراه في الجغرافيا السياسية، عضو هيئة التدريس بجامعة مالک الأشتر ومدير مركز الدراسات الإقليمية التابع للمنظمة الجغرافية للقوات المسلحة، البريد الإلكتروني (Nta@235Qme.mut.ac.ir)

٢ . طالبة دكتوراه في الجغرافيا السياسية، جامعة خوارزمي، خبيرة في مركز الدراسات الإقليمية، المنظمة الجغرافية للقوات المسلحة، البريد الإلكتروني (Mahsa.t4348@gmail.com)

نشریه علمی آفاق اطلاعات

مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی در قفقاز جنوبی: مطالعه موردی دالان زنگزور و چالش‌های امنیت ملی ایران

علی محمدپور[۱*]، مهسا تاتاری[۲]

۸
سال دوم
زمستان ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۶/۰۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۶/۲۵
صص: ۱۷۹-۱۵۶

چکیده

این پژوهش به تحلیل مخاطرات ژئوپلیتیکی و حقوقی دالان زنگزور در قفقاز جنوبی و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران می‌پردازد. دالان زنگزور، مسیر ترانزیتی میان جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان، با اعطای حقوق توسعه و مدیریت بلندمدت به کنسرسیومی بین‌المللی و محدودسازی کنترل عملیاتی ارمنستان، چالشی مستقیم برای حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی محسوب می‌شود. با استفاده از رویکرد کیفی، تحلیل محتوا و تماتیک منابع ثانویه شامل اسناد حقوقی، مقالات علمی و گزارش‌های خبری، پیامدهای ژئوپلیتیکی، حقوقی و امنیتی این دالان شناسایی شد. نتایج نشان می‌دهد فعال شدن دالان زنگزور موجب کاهش نقش ایران در شبکه‌های ترانزیتی شمال–جنوب و شرق–غرب، تقویت نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و بازآرایی توازن قدرت در قفقاز جنوبی می‌شود. علاوه بر این، ابهام در تعریف حقوقی دالان، تهدیدات بالقوه‌ای برای ثبات حاکمیت ارمنستان و ایجاد رویه‌های مخاطره‌آمیز در حقوق بین‌الملل سرزمینی ایجاد می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که مدیریت مخاطرات دالان زنگزور مستلزم رویکردی تلفیقی میان ژئوپلیتیک، حقوق بین‌الملل و امنیت ملی است تا اثرات منفی آن بر ایران کاهش یابد.

واژگان کلیدی: *دالان زنگزور، مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی، امنیت ملی ایران، قفقاز جنوبی، رژیم ترانزیتی فرامرزی.*

مشخصات نویسنده اول

*۱ ، *- دکتری جغرافیای سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه مالک اشتر و مدیر مرکز مطالعات منطقه‌ای سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، رایانامه(Nta@235Qme.mut.ac.ir)*

مشخصات نویسنده دوم

۲- دانشجوی دکتری دانشجوی جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، کارشناس مرکز مطالعات منطقه‌ای سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح)، رایانامه(Mahsa.t4348@gmail.com)

---

۱ و * - نویسنده مسئول: درجه علمی، مقطع تحصیلی و رشته تخصصی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل نویسنده اول (B Nazanin pt. ۱۱، راست چین)

۲- درجه علمی و رشته تخصصی (با سمت کاری)، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل نویسنده دوم (B Nazanin pt. ۱۱، راست چین)

۱. مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی، به‌ویژه حوزه غربی دریای خزر، از دیرباز به‌عنوان یک کانون ژئوپلیتیکی و امنیتی استراتژیک برای ایران مطرح بوده است. این منطقه، به دلیل قرارگیری تاریخی و فرهنگی در قلمرو ایران و جدایی آن در دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای، طی دو سده اخیر به‌طور مستمر بر امنیت ملی و توسعه ایران اثرگذار بوده است (موسوی‌شهیدی و همکاران، ۱۴۰۳). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اهمیت قفقاز جنوبی در مقایسه با آسیای مرکزی برای ایران افزایش یافت، زیرا این منطقه به‌عنوان پل طبیعی میان اروپا و آسیا و بخشی از بیضی انرژی، ظرفیت‌های راهبردی ویژه‌ای دارد (پوراحمدی‌میبدی، فیض‌الهی، ۱۴۰۲؛ ممبینی، ۱۴۰۲). در این حوزه، ایران با کشورهای آذربایجان و ارمنستان همسایه و با گرجستان همجوار است و تهدیدات امنیتی از مسیر فرآیندهای سیاسی و اقدامات میدانی تحقق می‌یابند. از این منظر، منطقه قفقاز و حوزه قرابت آن به‌عنوان یک مجموعه امنیت منطقه‌ای شناخته می‌شود، که فرایندهای امنیت‌سازی و امنیت‌زدایی در آن قابل تحلیل و تبیین هستند (جاجانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۸). نمونه برجسته این چالش‌ها، توافق دالان زنگزور است که در تاریخ ۸ آگوست ۲۰۲۵ میلادی با میانجی‌گری ایالات متحده میان ارمنستان و آذربایجان منعقد شد. این توافق مسیر زمینی مستقیم میان آذربایجان و نخجوان را فراهم کرده و نفوذ تاریخی ایران و روسیه در قفقاز را محدود کرده است. واکنش ایران به این تحول شدید بوده و مقامات امنیتی و نظامی، آن را تهدیدی ملی توصیف کرده‌اند (The Washington Post, 8 August 2025؛ دیپلماسی ایرانی، ۶ مرداد ۱۴۰۴).

از منظر ژئوپلیتیک انرژی همانطور که اشاره شد، دالان زنگزور در بیضی انرژی قرار دارد و با توجه به محدودیت‌های صادرات انرژی روسیه به اروپا در پی جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب، اهمیت کرویدورهای انرژی قفقاز افزایش یافته است. این منطقه، با منابع نفت و گاز و موقعیت ترانزیتی ممتاز، نقش محوری در تأمین و ترانزیت انرژی به اروپا دارد (حسین‌زاده، نصیری، ۱۴۰۳). پروژه دالان زنگزور ایران را از شمال و شمال‌غربی به بن‌بست ژئوپلیتیکی سوق می‌دهد و وزن ژئوپلیتیکی کشور را کاهش می‌دهد، به‌ویژه در مواجهه با ترکیه و آذربایجان. علاوه بر این،

این اقدام ممکن است تنش‌های قومیتی داخلی را تشدید کند و نیروهای گریز از مرکز را فعال نماید (ممبینی، ۱۴۰۲؛ استوار، نظر، ۱۴۰۳).

با توجه به اهمیت استراتژیک و امنیتی این پروژه، مطالعه مخاطرات ژئوپلیتیکی و حقوقی دالان زنگزور برای ایران ضرورت دارد. اهداف این پژوهش شامل تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی و امنیتی پروژه، ارزیابی تأثیرات حقوقی و بین‌المللی آن و شناسایی راهبردهای ممکن برای حفظ نفوذ و امنیت ایران در قفقاز جنوبی است. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از: دالان زنگزور چه تأثیراتی بر امنیت ملی ایران دارد؟ چه ابعاد حقوقی و بین‌المللی در شکل‌گیری و مدیریت این دالان مؤثر هستند؟ و ایران چگونه می‌تواند منافع و نفوذ خود را در این منطقه حفظ کند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهشی

پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف دالان زنگزور و تأثیرات آن بر موقعیت ایران پرداخته‌اند. عمده این مطالعات بر ماهیت ژئوپلیتیکی و امنیتی این پروژه متمرکز بوده و آن را عاملی برای تغییر توازن قوا در قفقاز جنوبی به‌ضرر ایران ارزیابی می‌کنند. برای نمونه، گل‌کرمی و مصطفی‌پور (۱۴۰۳) با روش تحلیلی-توصیفی نشان می‌دهند که تحقق این کریدور می‌تواند جغرافیای سیاسی منطقه را تغییر دهد و با کاهش مزیت‌های ترانزیتی ایران، زمینه را برای حضور نیروهای فرامنطقه‌ای رقیب فراهم کند. در همین راستا، صالحی و رئیسی‌نژاد (۱۴۰۲) با بهره‌گیری از چارچوب نظری سطوح سه‌گانه، اتحاد راهبردی آنکارا-باکو را محرکی برای پیگیری ایدئولوژی پان‌ترکیسم و ایجاد دالان زنگزور دانسته که مستقیماً امنیت ملی ایران را در ابعاد ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک تهدید می‌کند. در بعد اقتصادی-ترانزیتی، پژوهش‌هایی مانند مطالعه استوار و نظر (۱۴۰۳) بر این نکته تأکید دارند که دالان زنگزور با انحراف مسیرهای تجاری، باعث تخلیه ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران و تضعیف نقش آن به عنوان کانون ارتباطی منطقه می‌شود. قائم‌مقامی (۱۴۰۳) نیز به اختصار کوتاه‌تر شدن مسیر ارتباطی ترکیه به آسیای میانه از طریق این کریدور نسبت به مسیرهای متکی به خاک ایران اشاره کرده که پیامد آن کاهش رقابت‌پذیری اقتصادی ایران تحت تحریم‌ها است. از منظر روش‌شناسی، برخی مطالعات با استفاده از رویکردهای ترکیبی و مدلسازی به تحلیل عمیق‌تر پرداخته‌اند. جاجانی و همکاران (۱۴۰۲) با

کاربست تحلیل اکتشافی-ساختاری و سناریوپردازی، ۱۸ متغیر اثرگذار در چهار مؤلفه اقتصادی، ترانزیتی، هژمونیک و نظامی را شناسایی کرده و راهبرد ایران را تقویت همکاری با ارمنستان و خنثی‌سازی تحریم‌ها دانسته‌اند. همچنین، حریری و همکاران (۱۴۰۴) با به کارگیری نظریه بازی‌ها، همکاری سه‌جانبه ترکیه، آذربایجان و اسرائیل را تلاشی برای کاهش نفوذ ایران تفسیر کرده و ائتلاف ایران با روسیه و ارمنستان را پاسخ راهبردی ضروری می‌دانند. با این وجود، خلأ پژوهشی محسوسی در خصوص ابعاد حقوقی بین‌المللی این مسئله مشاهده می‌شود. اگرچه به طور پراکنده به موضوعاتی مانند حاکمیت ارمنستان و رژیم حقوقی ترانزیت اشاره شده، اما تحلیل نظام‌مند چالش‌های حقوقی ناشی از ایجاد دالان، مبانی حقوق بین‌الملل حاکم بر آن و ارائه راهکارهای حقوقی برای صیانت از امنیت ملی ایران، در کانون توجه پژوهش‌های پیشین قرار نگرفته است. مقاله حاضر با تمرکز بر همین شکاف، در پی تلفیق تحلیل ژئوپلیتیکی و حقوقی برای بررسی جامع مخاطرات پیشِروی ایران است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

۱-۳- مفهوم مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی

دانش مخاطرات به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای، به تحلیل نظام‌مند تعامل انسان و محیط با هدف شناسایی، ارزیابی و مدیریت ریسک‌های چندبعدی می‌پردازد و کاهش آسیب‌پذیری سامانه‌های سیاسی-اجتماعی را دنبال می‌کند. در این چارچوب، مخاطرات شامل تهدیدات بالفعل و بالقوه‌ای هستند که ارزش‌های حیاتی یک نظام را در دو سطح به چالش می‌کشند: سطح عینی (ساختاری-نهادی) شامل تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، و سطح ذهنی (هویتی-نمادین) شامل ایدئولوژی، فرهنگ و سرمایه اجتماعی (احمدی و هاشمی، ۱۳۹۷). با افزایش گستره فضایی مخاطرات، سطح خطر تشدید شده و می‌تواند از تهدید به مصیبت و سپس بحران تبدیل شود (مقیمی، ۱۳۹۳). در ادبیات ژئوپلیتیک و مطالعات امنیتی، «مخاطره ژئوپلیتیکی» به تهدیدات ناشی از برهم‌کنش فضا، قدرت، حقوق و منافع بازیگران سیاسی اطلاق می‌شود که امنیت و منافع حیاتی یک دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مخاطره واجد ابعاد مادی، حقوقی، هویتی و ژئواستراتژیک است و از طریق تغییر در مرزها، رژیم‌های حقوقی فضا، یا موازنه قدرت منطقه‌ای بروز می‌یابد (Buzan et

al., 1998; Agnew, 2004). در همین راستا، پژوهش حاضر مدل مفهومی با بهره‌گیری از مدل مقیمی (۱۳۹۳) در راستای درک هر چه بهتر مخاطرات ژئوپلیتیکی–حقوقی طراحی کرده است که در شکل شماره ۱ مشاهده می‌کنید.



شکل ۱ – مدل مفهومی طیف مخاطرات ژئوپلیتیکی- حقوقی از سطح تهدید تا بحران (باز طراحی)

منبع: مقیمی، ۱۳۹۳.

پیوند حقوق بین‌الملل، فضا و امنیت ملی، کانون شکل‌گیری مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی است. فضا عرصه‌ای حقوقی–سیاسی است که قواعد حقوق بین‌الملل و روابط قدرت در آن بازتولید می‌شوند(Agnew,2004). اصولی چون حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی، نقش تنظیم‌گر در مدیریت تعارضات فضایی دارند، اما در عمل، تفسیر و اجرای آنها تحت تأثیر موازنه قدرت و منافع ژئوپلیتیکی است. هرگاه ترتیبات فضایی جدید مانند ایجاد دالان‌ها بدون اجماع حقوقی پایدار یا در تعارض با منافع حیاتی یک دولت شکل گیرد، بستر تولید مخاطره فراهم می‌شود (Flint, 2021).

امنیت ملی، مفهومی چندبعدی است و تغییر در رژیم حقوقی فضا می‌تواند ابعاد مختلف آن از جمله پیوستگی ژئوپلیتیکی، عمق استراتژیک و حتی هویت ملی یک کشور را تحت تأثیر قرار دهد (Dalby, 2002). مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی زمانی تشدید می‌شوند که تحولات فضایی، مشروعیت حقوقی مرزها یا حاکمیت سرزمینی را با ابهام مواجه سازند. این امر به‌ویژه در مناطق حساسی مانند قفقاز جنوبی، که هم‌پوشانی منافع بازیگران با ابهامات حقوقی همراه است، می‌تواند تهدیدات بالقوه را به بحران‌های امنیتی تبدیل کند. بر این اساس، تحلیل مخاطرات ژئوپلیتیکی ـ حقوقی مستلزم نگاهی تلفیقی به حقوق بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و مطالعات امنیتی است. این چارچوب تحلیلی، امکان بررسی پروژه‌ای مانند دالان زنگزور را نه صرفاً به‌عنوان یک ابتکار زیرساختی، بلکه به‌عنوان عاملی که می‌تواند نظم حقوقی–فضایی منطقه را دگرگون و امنیت ملی کشورهای ذی‌نفع مانند ایران را به چالش بکشد، فراهم می‌نماید.

۲–۳– امنیت ملی در پیوند با تحولات محیط پیرامونی

در ادبیات معاصر، امنیت ملی به مثابه مفهومی پویا، چندبعدی و عمیقاً وابسته به تحولات محیط پیرامونی فهمیده می‌شود. این تحول معرفت‌شناختی، گذار از رویکردهای کلاسیک واقع‌گرایانه به رهیافت‌های نوینی را نشان می‌دهد که امنیت را برآیند تعامل پیچیده‌ی عوامل ژئوپلیتیکی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف تحلیل می‌کنند. در این چارچوب، محیط‌های همجوار نه حاشیه‌ای منفعل، بلکه عرصه‌های فعال شکل‌دهنده به ادراک تهدید و فرصت هستند (Buzan, ۲۰۰۸).

بری بوزان[۱] با ارائه نظریه «مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای»[۲] استدلال می‌کند که امنیت هر دولت به‌صورت ساختاری به الگوهای دوستی، خصومت و وابستگی متقابل در سطح منطقه گره خورده است (Buzan, Wæver, 2003). از این منظر، تحولات ژئوپلیتیکی در مناطق همسایه، مانند تغییر رژیم‌های حقوقی کریدورها یا بازآرایی مسیرهای ترانزیتی، می‌توانند تهدیداتی ساختاری ایجاد کنند که توان دولت برای حفظ حاکمیت و ثبات را تضعیف می‌نمایند (Ullman, 2011).

۱. Barry Buzan
۲. Regional Security Complex Theory

ژئوپلیتیک انتقادی با نقد «تله سرزمینی»[1] (Agnew, 2004) تحلیل می‌کند که پروژه‌های کریدوری صرفاً زیرساخت فنی نیستند، بلکه ابزارهایی برای بازآرایی فضایی قدرت و بازتعریف کارکرد ژئوپلیتیکی مناطق مرزی محسوب می‌شوند. این پروژه‌ها با تغییر الگوهای دسترسی و کنترل فضایی، می‌توانند عمق راهبردی دولتها را تحت تأثیر قرار داده و الگوهای سنتی امنیت ملی مبتنی بر ثبات مرزها را دگرگون سازند.

افزون بر این، نظریه امنیت‌سازی(Buzan et al., 1998) نشان می‌دهد که تحولات محیطی زمانی به مسئله‌ای امنیتی تبدیل می‌شوند که در گفتمان رسمی به عنوان «تهدید وجودی» برای منافع حیاتی دولت بازنمایی شوند. این چارچوب توضیح می‌دهد چگونه پروژه‌ای مانند یک دالان ترانزیتی می‌تواند در محاسبات امنیت ملی یک کشور برجسته گردد.

در عصر حاضر، تهدیدات غالباً ماهیتی ترکیبی (هیبرید)[2]دارند و در تقاطع امنیت سخت، حقوق بین‌الملل و اقتصاد سیاسی شکل می‌گیرند (Kaldor, 2012). در چنین شرایطی، مرزها به فضاهایی سیال و چندلایه تبدیل شده‌اند (Newman, 2006) که تغییر در کارکرد و معنای ژئوپلیتیکی آنها، به‌ویژه در مناطق حساسی مانند قفقاز جنوبی، می‌تواند به سرعت امنیت ملی کشورهای همجوار را تحت تأثیر قرار دهد.

در مجموع، امنیت ملی در پیوندی ساختاری با تحولات محیط پیرامونی تعریف می‌شود؛ پیوندی که در آن مرزهای جغرافیایی، رژیم‌های حقوقی و موازنه‌های منطقه‌ای به‌طور همزمان نقش‌آفرینی می‌کنند. این چارچوب نظری، بستر مناسبی برای تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی و حقوقی طرح‌هایی مانند دالان زنگزور بر امنیت ملی ایران فراهم می‌سازد.

۴. محیط‌شناسی: دالان زنگزور، خاستگاه آن، مذاکرات و اقدامات

کریدور، در ادبیات حمل‌ونقل و جغرافیای سیاسی، به راهرو یا دالانی اطلاق می‌شود که با هدف تسهیل جابه‌جایی کالا و مسافر میان واحدهای سیاسی مستقل مورد استفاده قرار می‌گیرد. کریدورهای بین‌المللی معمولاً شبکه‌ای چندوجهی از حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، دریایی و هوایی

---

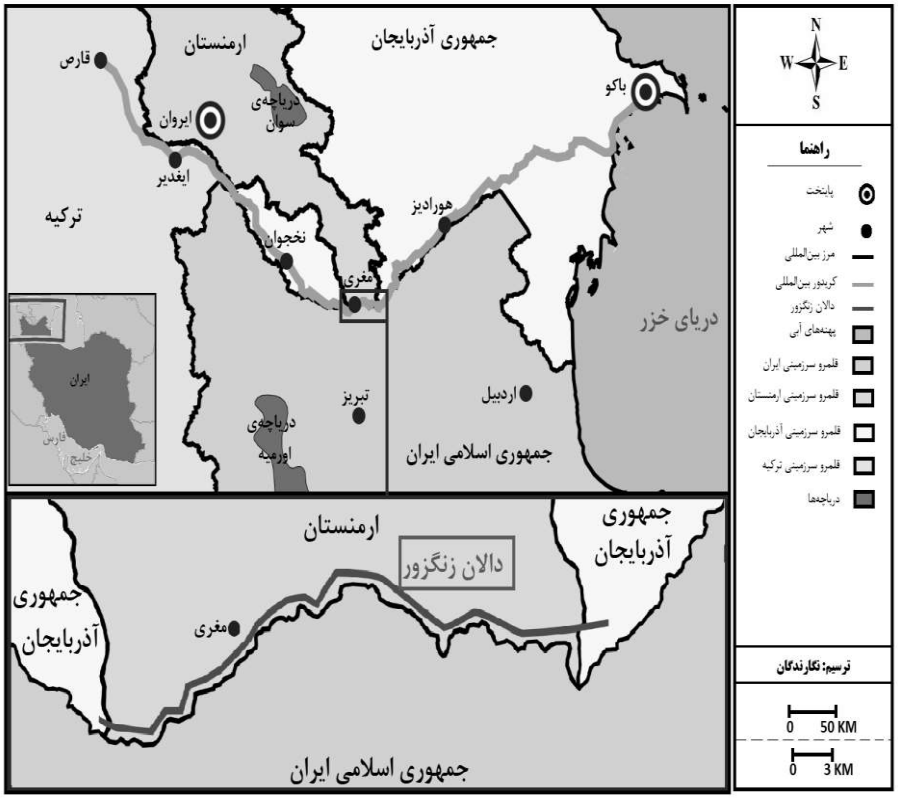
۱. Territorial Trap.

۲. Hybrid Threats.

را در بر می‌گیرند که با هدف کاهش زمان، هزینه و اصطکاک‌های مرزی در مبادلات فرامرزی طراحی می‌شوند (رنجبرحیدری، ۱۴۰۳). بر اساس منطق حقوقی و عملی این کریدورها، زمانی که کشور «الف» برای برقراری ارتباط با کشور «پ» ناگزیر از عبور از قلمرو کشور «ب» باشد، مسیر عبوری در قلمرو کشور «ب» به‌عنوان کریدور یا دالان ترانزیتی تعریف می‌شود. در این چارچوب مفهومی، دالان زنگزور به‌عنوان یک دالان ترابری فرامرزی تعریف می‌شود که هدف آن ایجاد اتصال مستقیم میان سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان است. ویژگی متمایز این دالان، مطابق تفاسیر مورد نظر باکو و حامیان آن، عبور «بلامانع» و بدون کنترل‌های مرزی و گمرکی ارمنستان است؛ امری که در صورت تحقق، عملاً به تضعیف حاکمیت سرزمینی ارمنستان و قطع پیوستگی ژئوپلیتیکی مرز ایران و ارمنستان منجر می‌شود (استوار، نظر، ۱۴۰۳).

از منظر جغرافیای طبیعی، منطقه زنگزور در نقطه تلاقی سه واحد ژئومورفولوژیک مهم شامل قفقاز کوچک، ارتفاعات آناتولی و امتداد شمال‌غربی رشته‌کوه‌های زاگرس قرار گرفته است. این منطقه، علی‌رغم قرارگیری در یک پهنه عمدتاً کوهستانی و ناهموار، به دلیل برخورداری نسبی از منابع آب، زمین‌های قابل کشت و قابلیت‌های زیستی، نسبت به پیرامون خود از مزیت‌های ژئواکولوژیک برخوردار است. این ویژگی‌ها در کنار موقعیت راهبردی آن به‌عنوان گره ارتباطی شرق–غرب و شمال–جنوب، زنگزور را از یک واحد جغرافیایی صرف به یک دارایی ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تبدیل کرده است (محروق، نعیم‌نژاد، ۱۴۰۳).

خاستگاه اندیشه‌ی ایجاد دالان زنگزور را باید در طرح موسوم به «گوبل» در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی جست‌وجو کرد. این طرح که توسط پاول گوبل، مشاور پیشین وزارت خارجه ایالات متحده در امور ملیت‌های شوروی، مطرح شد، بر مبادله سرزمینی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان استوار بود؛ به‌گونه‌ای که جنوب ارمنستان در مرز با ایران به آذربایجان واگذار شود تا اتصال سرزمینی با نخجوان برقرار گردد و در مقابل، بخشی از قره‌باغ به ارمنستان الحاق شود (Goble,1992). هرچند این طرح در آن مقطع اجرایی نشد، اما منطق ژئوپلیتیکی آن در ادبیات راهبردی باکو و آنکارا باقی ماند و در تحولات بعدی منطقه مجدداً احیا شد.



شکل ۱ – موقعیت جغرافیایی دالان زنگزور (کریدوری جاده‌ای و ریلی) در نزدیکی مرز ایران با ارمنستان و در خاک ارمنستان واقع شده است.

پس از جنگ دوم قره‌باغ و امضای توافق آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ با میانجی‌گری روسیه، موضوع دالان زنگزور وارد مرحله‌ای جدید شد. ماده ۹ این توافق بر «رفع انسداد مسیرهای حمل‌ونقل منطقه‌ای» و ایجاد ارتباط ترانزیتی میان نخجوان و سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان تأکید دارد؛ بندی که تفسیرهای متعارضی از سوی طرفین به همراه داشت. جمهوری آذربایجان و ترکیه این ماده را مبنای حقوقی ایجاد یک دالان فرامرزی فاقد کنترل ارمنستان تلقی کردند، در حالی که ایروان بر حفظ کنترل گمرکی، امنیتی و حاکمیتی خود بر هر مسیر ترانزیتی تأکید ورزید (صالحی، رئیسی‌نژاد، ۱۴۰۲). با این حال، از مارس ۲۰۲۵م. به بعد، روند مذاکرات وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شد. در این مقطع، ارمنستان و جمهوری آذربایجان پیش‌نویس توافق صلح جامع را

نهایی و در ادامه، در اوت ۲۰۲۵م.، با میانجی‌گری فعال ایالات متحده، توافق‌نامه‌ای را در کاخ سفید به امضاء رساندند که در آن ایجاد یک دالان ترانزیتی عمده به‌عنوان بخشی از ترتیبات صلح و بازگشایی مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای به رسمیت شناخته شد. این دالان در اسناد و بیانیه‌های رسمی با عنوان «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی»[۱] (TRIPP) معرفی شده است (Schwartz, Bazail, 7 August 2025; Kim, Price, 9 August 2025). بر اساس گزارش‌های منتشرشده، در چارچوب این توافق، ارمنستان اعطای «حقوق ویژه توسعه و مدیریت بلندمدت» بر بخش‌هایی از مسیر دالان را به یک کنسرسیوم مرتبط با ایالات متحده پذیرفته است؛ موضوعی که از سوی برخی منابع به‌عنوان اجاره ۹۹ یا ۱۰۰ ساله تعبیر شده است. اگرچه مقامات ارمنستان بر حفظ حاکمیت اسمی تأکید کرده‌اند، اما ماهیت عملی این ترتیبات، کنترل مستقیم ایروان بر دالان را به‌شدت محدود می‌سازد (Holland, 9 August 2025; Civil Net, 8 August 2025). در سطح اقدامات اجرایی تاکنون، اگرچه عملیات ساخت‌وساز فیزیکی گسترده به‌طور رسمی آغاز نشده است، اما مجموعه‌ای از اقدامات عملی و زمینه‌ساز در حال انجام یا برنامه‌ریزی است. این اقدامات شامل:

ایجاد سازوکارهای حقوقی و نهادی برای اعطای حقوق توسعه و مدیریت مسیر (AlJazeera, ۲۰۲۵)؛

فعال‌سازی همکاری‌های امنیتی و نظامی مکمل از جمله برگزاری رزمایش مشترک «شریک عقاب ۲۰۲۵» میان ارمنستان و ایالات متحده با هدف افزایش هماهنگی عملیاتی در مأموریت‌های بین‌المللی (حسینی، ۲۱ مرداد ۱۴۰۴)؛

مطالعات امکان‌سنجی و بازسازی زیرساخت‌های پیشین به‌ویژه خطوط ریلی دوران شوروی که در جریان جنگ اول قره‌باغ از کار افتاده بودند (محروق، نعیم‌نژاد، ۱۴۰۳)،

رایزنی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تضمین امنیت مسیر و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه از سوی آمریکا و ترکیه (Rubin, 31 July 2025; Guliyev, 5 August 2025).

در وضعیت کنونی، دالان زنگزور از مرحله طرح و مناقشه عبور کرده و به سطح توافق سیاسی و آماده‌سازی اجرایی رسیده است. این دالان دیگر صرفاً یک پروژه حمل‌ونقلی نیست، بلکه به

۱. Trump Route for International Peace and Prosperity (TRIPP)

ابزاری ژئوپلیتیکی برای بازتعریف الگوهای دسترسی، نفوذ و موازنه قدرت در قفقاز جنوبی تبدیل شده است. تحقق آن می‌تواند با کاهش نقش مسیرهای ترانزیتی ایران، تضعیف پیوند ژئوپلیتیکی ایران و ارمنستان و تقویت حضور بازیگران رقیب در مجاورت مرزهای شمال‌غربی ایران، پیامدهای راهبردی قابل‌توجهی به همراه داشته باشد که در ادامه به تشریح آن پرداختیم.

۵. روش‌شناسی

این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی تحلیلی و با روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع ثانویه شامل مقالات علمی معتبر (فارسی و انگلیسی)، اسناد حقوقی بین‌المللی، گزارش‌های تحلیلی مراکز پژوهشی و منابع خبری–تحلیلی گردآوری می‌شوند. در مرحله تحلیل، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تفسیری–تأویلی استفاده می‌شود. در این چارچوب، متون و اسناد به‌صورت عمیق بررسی شده و با استخراج مفاهیم کلیدی، استدلال‌ها و ارتباطات درونی آنها، ابعاد ژئوپلیتیکی و حقوقی دالان زنگزور و پیوندهای آن با مولفه‌های امنیت ملی ایران در چارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیک انتقادی و امنیت ملی تبیین می‌گردد.

۶. بحث

۱-۶. دالان زنگزور به‌مثابه مخاطره ژئوپلیتیکی ـ حقوقی

تحولات پس از جنگ دوم قره‌باغ نشان داد که قفقاز جنوبی بیش از آن‌که متأثر از پیوندهای هویتی و مذهبی باشد، تابع منطق ژئوپلیتیک قدرت و بازآرایی فضایی نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (استوار، نظر، ۱۴۰۳). در این چارچوب، طرح دالان زنگزور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای نظم پساجنگ، واجد ابعادی فراتر از یک پروژه صرفاً ترانزیتی است و باید آن را در پیوند هم‌زمان با ملاحظات ژئوپلیتیکی و حقوق بین‌الملل سرزمینی تحلیل کرد. دالان زنگزور با هدف اتصال سرزمینی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان مطرح شد، اما نحوه طرح و پیگیری آن، به‌ویژه با خروج کنترل آن از حاکمیت دولت میزبان (ارمنستان)، با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل از جمله حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی در تعارض قرار گرفت. ایجاد یک گذرگاه با رژیم حقوقی مبهم یا فراملی، می‌تواند به تضعیف حاکمیت ارمنستان و ایجاد

رویه‌ای مخاطره‌آمیز در نظم حقوقی منطقه‌ای منجر شود. از منظر ژئوپلیتیکی، دالان زنگزور ابزار بازتوزیع قدرت فضایی در قفقاز جنوبی است. این دالان با تقویت پیوند ژئوپلیتیکی ترکیه– جمهوری آذربایجان، نقش بازیگران رقیب را محدود کرده و هم‌زمان امکان حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای را در ساختار امنیتی منطقه افزایش می‌دهد. در این میان، عدم مخالفت مؤثر روسیه با این طرح و کنار گذاشته شدن ایران از فرایندهای رسمی صلح قره‌باغ، نشان‌دهنده کاهش نقش ایران در معادلات نظم پساجنگ است (پوراحمدی میبدی و فیض‌الهی، ۱۴۰۲). برای جمهوری اسلامی ایران، دالان زنگزور یک مخاطره ژئوپلیتیکی ـ حقوقی مستقیم محسوب می‌شود؛ چراکه می‌تواند با محدودسازی مسیرهای ترانزیتی سنتی ایران، تضعیف اهرم‌های ژئوپلیتیکی کشور در برابر جمهوری آذربایجان و افزایش حضور بازیگران رقیب در مجاورت مرزهای شمال‌غربی، پیامدهای منفی برای امنیت ملی به همراه داشته باشد (موسوی‌شهیدی و همکاران، ۱۴۰۳). از این رو، دالان زنگزور را باید نه صرفاً یک اختلاف ترانزیتی، بلکه چالشی ساختاری در نظم ژئوپلیتیکی و حقوقی قفقاز جنوبی دانست که بررسی دقیق آن، مقدمه‌ای برای تحلیل چالش‌های حاکمیتی و پیامدهای ژئوپلیتیکی فضایی در ادامه پژوهش است.

۲–۶– چالش‌های حقوق بین‌الملل سرزمینی و حاکمیتی دالان زنگزور

چالش‌های حقوقی مرتبط با دالان زنگزور[۱] باید در پیوند مستقیم میان اصل تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و مسئله کنترل و نظارت حقوقی بر مسیرهای ترانزیتی تحلیل شود؛ پیوندی که در قفقاز جنوبی به دلیل سابقه منازعه، حضور بازیگران ثالث و ابهام در اسناد توافقی، به یکی از حساس‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل منطقه‌ای تبدیل شده است. بر اساس اصول تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل، عبور ترانزیتی از قلمرو یک دولت باید ذیل حاکمیت سرزمینی آن دولت و با حفظ صلاحیت‌های تقنینی، اجرایی و قضایی وی انجام شود و ایجاد مسیرهایی که به‌طور مؤثر این صلاحیت‌ها را تضعیف کند، می‌تواند مصداق نقض اصل تمامیت ارضی تلقی شود (Shaw, ۲۰۱۷). اختلاف اصلی در مورد دالان زنگزور از همین نقطه آغاز می‌شود، جایی که در گفتمان سیاسی برخی بازیگران (آذربایجان و ترکیه)، واژه «دالان» شائبه عبور فرامرزی بدون نظارت کامل دولت میزبان را ایجاد می‌کند، در حالی که در چارچوب حقوق بین‌الملل، حق عبور ترانزیتی لزوماً

۱. Zangezur Corridor

به معنای سلب حاکمیت نیست و باید تحت نظارت دولت صاحب سرزمین اعمال شود. تحلیل بند ۹ بیانیه سه‌جانبه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که این سند از منظر حقوقی بیشتر بر «بازگشایی مسیرهای ارتباطی» و تضمین عبور و مرور تأکید دارد و تصریحی بر ایجاد یک دالان یا کریدور فرامرزی خارج از حاکمیت ارمنستان ندارد؛ با این حال، ابهام مفهومی در واژگان به‌کاررفته زمینه‌ساز تفسیرهای متعارض شده است (Omidi, 2025). چنین ابهامی می‌تواند به تدریج به نهادینه شدن تفاسیر حقوقی مبهم منجر شود؛ تفاسیری که مرز میان «حق عبور» و «کنترل سرزمینی» را مخدوش می‌سازد و تعادل میان تعهدات بین‌المللی و حاکمیت ملی را بر هم می‌زند (Vartanyan, 2022). هر الگویی از نظارت که نقش دولت صاحب سرزمین را به حداقل برساند یا به بازیگران ثالث واگذار کند، پیامدهای حقوقی بلندمدتی برای اصل تمامیت ارضی خواهد داشت. حضور نیروهای ثالث در مسیرهای ترانزیتی تنها زمانی با اصول حاکمیتی سازگار است که با رضایت روشن دولت ذی‌ربط و در چارچوب شفاف و موقت صورت گیرد؛ در غیر این صورت، چنین ترتیباتی می‌تواند به رویه‌ای خطرناک تبدیل شود که در سایر منازعات سرزمینی مورد استناد قرار گیرد (Tolstykh, 2023). رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی باعث شده است که موضوعی فنی و حقوقی، یعنی ترانزیت، به ابزاری برای بازتعریف موازنه قدرت تبدیل شود و ریسک سیاسی‌سازی تفسیرهای حقوقی افزایش یابد (de Waal, 2021). اصرار بر مفهوم «دالان» بدون تعریف حقوقی دقیق، می‌تواند به تضعیف هنجارهای تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل سرزمینی بینجامد و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای امنیت ملی کشورهای همجوار از جمله ایران داشته باشد؛ زیرا هر تغییر در الگوهای حاکمیتی و کنترلی مسیرهای ارتباطی در قفقاز جنوبی می‌تواند بر ژئوپلیتیک مرزها، امنیت ترانزیت و موازنه منطقه‌ای اثرگذار باشد (Omidi, 2025). حل‌وفصل پایدار مسئله دالان زنگزور مستلزم پرهیز از تفاسیر موسع و مبهم و حرکت به‌سوی ترتیبات حقوقی شفاف مبتنی بر اصل تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است؛ ترتیباتی که در آن حق عبور ترانزیتی به‌عنوان امتیازی حقوقی، نه ابزاری برای بازتعریف مرزهای حاکمیتی، تلقی شود (Ali, Mumtaz, 2025).

توافق صلح امضاشده در ۸ اوت ۲۰۲۵ در کاخ سفید میان ارمنستان و آذربایجان با میانجی‌گری ایالات متحده، که شامل ایجاد مسیر ترانزیتی موسوم به «پل ترامپ»[۱] است، از منظر حقوق بین‌الملل سرزمینی و حاکمیت ملی چالش‌های قابل توجهی را برجسته می‌سازد؛ این مسیر که در اسناد رسمی با هدف «بازگشایی ارتباطات ترانزیتی از طریق ارمنستان» توصیف شده، تحت حاکمیت ارمنستان باقی می‌ماند اما حقوق توسعه، مدیریت و بهره‌برداری طولانی‌مدت (تا ۹۹ سال) برای کنسرسیومی با مشارکت ایالات متحده اعطا شده است، امری که در تفسیرهای تحلیل‌گرانه می‌تواند به نگرانی‌های جدی درباره حفظ تمامیت ارضی و کنترل سرزمینی منجر شود زیرا مشارکت بازیگران ثالث در چارچوب زمانی بلندمدت می‌تواند نقش دولت میزبان را در نظارت عملیاتی کاهش دهد (Khachidze, Geybullayeva, 2025; Piotrowski, Wojtasiewicz, ۲۰۲۵). علاوه بر این، ارمنستان از به کارگیری واژه «دالان زنگزور» اجتناب کرده و بر حفظ حاکمیت و اقتصاد ملی تأکید نموده است، در حالی که آذربایجان بر اهمیت دسترسی پایدار تأکید دارد، و همین تفاوت تفسیری در مفاهیم می‌تواند به تنش‌های حقوقی در تفسیر حقوق عبور و حاکمیت منجر شود (Sağlam, 2025). همچنین، این گونه پیچیدگی‌های حقوقی و ژئوپلیتیکی، به ویژه در نزدیکی مرزهای ایران، می‌تواند موجب به چالش کشیدن امنیت ملی ایران گردد، زیرا تغییر در الگوهای کنترل سرزمینی و نفوذ بازیگران خارجی ممکن است زمینه «شکل‌گیری نفوذ بلندمدت فرامنطقه‌ای» را فراهم آورد (Kawas, 2025).

۳-۶- چالش‌های ژئوپلیتیکی و فضایی عملیاتی شدن دالان زنگزور

دالان زنگزور، مسیری ترانزیتی استراتژیک است که از جنوب ارمنستان عبور کرده و جمهوری آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند. بازگشایی این مسیر باعث افزایش پیوستگی سرزمینی و بازآرایی شبکه‌های ارتباطی در قفقاز جنوبی می‌شود و تغییرات قابل توجهی در توازن جغرافیایی و اقتصادی منطقه ایجاد می‌کند (Al Jazeera Centre for Studies, 2025). فعال شدن این مسیر می‌تواند نقش تاریخی ایران در شبکه‌های ترانزیتی شمال-جنوب و جریان کالا و انرژی در منطقه را کاهش دهد و از این طریق چالش‌هایی برای امنیت ملی و منافع اقتصادی کشور ایجاد کند (قادری‌حاجت و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین، باز شدن دالان زنگزور موجب بازآرایی

۱. Trump Route for International Peace and Prosperity (TRIPP)

مسیرهای ترانزیتی رقیب می‌شود و فرصت‌های جدید برای کشورهای همسایه و بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم می‌آورد. ورود ایالات متحده برای مدیریت این مسیر به مدت طولانی، موجب ایجاد حضور استراتژیک دائمی آمریکا در جنوب قفقاز شده و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع متحدان غربی تغییر می‌دهد (Al Jazeera Centre for Studies, 2025). این تحول، نفوذ تاریخی روسیه را کاهش می‌دهد و موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و آذربایجان را تقویت می‌کند. از منظر امنیت ملی ایران، فعال شدن دالان زنگزور و کاهش نقش ایران در مسیرهای ترانزیتی منطقه‌ای، چالشی جدی محسوب می‌شود، به ویژه با توجه به مفاد ماده ۹ توافق آتش‌بس میان ارمنستان و آذربایجان که کنترل عبور و مرور و مدیریت مرزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Omidi, 2025).

از منظر شبکه‌های ترانزیتی، دالان زنگزور می‌تواند بخشی از مسیرهای ترانزیتی منطقه‌ای و اروپا- آسیا شود و رقابت با مسیرهای حمل‌ونقل ایران و روسیه را افزایش دهد. مسیر جدید کوتاه‌تر است و ممکن است بخشی از بار و انرژی ترانزیتی بین اروپا و آسیای مرکزی را به سمت خود جذب کند، که این امر مزیت رقابتی ایران در کریدور شمال–جنوب و مسیرهای دسترسی به بندر چابهار را کاهش می‌دهد (قادری‌حاجت و همکاران، ۱۴۰۳). علاوه بر این، اجرای این مسیر مستلزم توافقات حقوقی و امنیتی پیچیده درباره مدیریت مرزی، گمرک و عبور و مرور است که در صورت عدم رعایت منافع ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای، می‌تواند موانع عملیاتی ایجاد کند و امنیت ملی ایران را به خطر بیاندازد (Al Jazeera Centre for Studies, 2025).

در مجموع، دالان زنگزور فراتر از یک مسیر ترانزیتی صرف است و به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در تحولات ژئوپلیتیکی، توازن قدرت و شبکه‌های ترانزیتی جنوب قفقاز عمل می‌کند. این پروژه موجب تغییر پیوستگی سرزمینی و ارتباطی منطقه، بازآرایی موازنه قدرت میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و افزایش رقابت میان مسیرهای ترانزیتی ایران و سایر کشورها می‌شود و از این طریق چالش‌های مهمی برای امنیت ملی و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران ایجاد می‌کند.

۴-۶- پیامدهای دالان زنگزور برای امنیت ملی ایران

عملیاتی شدن دالان زنگزور در قفقاز جنوبی، به‌ویژه با نقش فعال ایالات متحده به‌عنوان تسهیل‌گر و حامی سیاسی، پیامدهای ژئوپلیتیکی و حقوقی مهمی برای امنیت ملی ایران به همراه

دارد. این دالان که با هدف اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان و سپس ترکیه طراحی شده است، صرفاً یک مسیر ترانزیتی نیست، بلکه بخشی از فرآیند بازآرایی نظم ژئوپلیتیکی منطقه و بازتعریف مسیرهای اتصال اوراسیایی به‌شمار می‌رود (Sacan,2023). پژوهش‌های مرکز توسعه اقتصادی و اجتماعی[1]جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که دالان زنگزور می‌تواند جریان‌های تجاری و ترانزیتی را سازمان دهد به گونه‌ای که مسیرهای عبوری از ایران را دور بزند و در نتیجه، نقش سنتی ایران در اتصال شرق–غرب و شمال–جنوب تضعیف شود. این روند، به‌ویژه در پرتو تلاش‌های ایالات متحده برای کاهش وابستگی قفقاز جنوبی به مسیرهای تحت نفوذ ایران و روسیه، قابل تحلیل است و کاهش وزن راهبردی ایران در شبکه‌های ارتباطی اوراسیا را به دنبال دارد (Eurasia Review, 2024).

از منظر ژئواکونومیک، تقویت پیوندهای ترانزیتی میان آذربایجان، ترکیه و اروپا بدون مشارکت ایران می‌تواند سهم تهران از منافع ترانزیتی و اهرم‌های اقتصادی ناشی از آن را کاهش دهد (Mammadli, 2025). افزون بر این، برخی تحلیل‌های رسانه‌ای غربی نشان می‌دهند که دالان زنگزور بخشی از راهبرد گسترده‌تر غرب برای بازتعریف مسیرهای ارتباطی قفقاز جنوبی است؛ راهبردی که پیامد آن، تضعیف موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای و کاهش ظرفیت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی آن خواهد بود (Wintour, 2025). کاهش نقش ترانزیتی ایران با پیامدهای امنیتی همراه است، زیرا محدود شدن پیوندهای جغرافیایی و عملکردی تهران با قفقاز جنوبی می‌تواند به کاهش عمق راهبردی آن در این منطقه منجر شود (Chedia, 2024).

از منظر حقوقی و امنیتی، دالان زنگزور نمونه‌ای بارز از تبدیل یک پروژه منطقه‌ای به مخاطره امنیتی غیرمستقیم است. ایجاد گذرگاه با رژیم حقوقی مبهم یا فرامرزی، به ویژه اگر کنترل آن از حاکمیت دولت میزبان (ارمنستان) خارج شود، با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل مانند حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی در تعارض قرار می‌گیرد (Tolstykh, 2023؛Shaw, 2017). ابهام در تعریف حقوقی «دالان» می‌تواند به ایجاد سابقه خطرناک در تغییر کارکرد مرزها بدون تغییر رسمی آن‌ها منجر شود، وضعیتی که در سایر منازعات سرزمینی نیز مورد استناد قرار گیرد و تعادل میان تعهدات بین‌المللی و حاکمیت ملی را بر هم زند (Omidi, 2025؛ Vartanyan,

۱. Center of Economic and Social Development (CESD)

Ali, Mumtaz, 2025؛۲۰۲۲). این واقعیت نشان می‌دهد که تحولات ژئوپلیتیکی و حقوقی محیط پیرامونی، حتی بدون درگیری نظامی مستقیم، می‌توانند تهدیدی ساختاری و بلندمدت برای امنیت ملی ایران ایجاد کنند (Buzan, 2008؛Ullman, 2011).

در نهایت، دالان زنگزور را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان یک اختلاف ترانزیتی، بلکه به‌عنوان یک چالش ژئوپلیتیکی ـ حقوقی ساختاری در قفقاز جنوبی دانست که امنیت ملی ایران را از طریق محدودسازی مسیرهای ترانزیتی، کاهش اهرم‌های ژئوپلیتیکی و افزایش حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در مرزهای شمال‌غربی تهدید می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که برای مدیریت پایدار امنیت ملی، نیاز به ترتیبات حقوقی شفاف مبتنی بر اصل حاکمیت و تمامیت ارضی است و پرهیز از رویه‌های مبهم که امکان بازتعریف غیررسمی مرزها را فراهم می‌کنند، ضروری است (موسوی‌شهیدی و همکاران، ۱۴۰۳؛ پوراحمدی میبدی و فیض‌الهی، ۱۴۰۲).

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دالان زنگزور را نمی‌توان صرفاً در قالب یک پروژه فنی حمل‌ونقلی یا ابتکار اقتصادی منطقه‌ای تحلیل کرد، بلکه این دالان واجد ماهیتی چندلایه و مرکب از مخاطرات ژئوپلیتیکی، حقوقی و فضایی است که به‌طور هم‌زمان بر امنیت ملی ایران و نظم منطقه‌ای قفقاز جنوبی اثرگذار است. تحلیل مفهومی و تجربی پژوهش آشکار ساخت که این پروژه در تلاقی سه سطح اساسی مخاطره شکل گرفته است: نخست، سطح حقوقی–حاکمیتی که به چالش کشیده‌شدن اصول بنیادین حقوق بین‌الملل سرزمینی، به‌ویژه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دولت میزبان را در پی دارد؛ دوم، سطح ژئوپلیتیکی–راهبردی که به بازآرایی موازنه قدرت منطقه‌ای و تغییر الگوهای دسترسی و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر می‌شود؛ و سوم، سطح فضایی–عملیاتی که از طریق بازتعریف شبکه‌های ترانزیتی، پیوستگی سرزمینی و عمق ژئوپلیتیکی دولت‌ها، پیامدهای امنیتی غیرمستقیم اما پایدار ایجاد می‌کند.

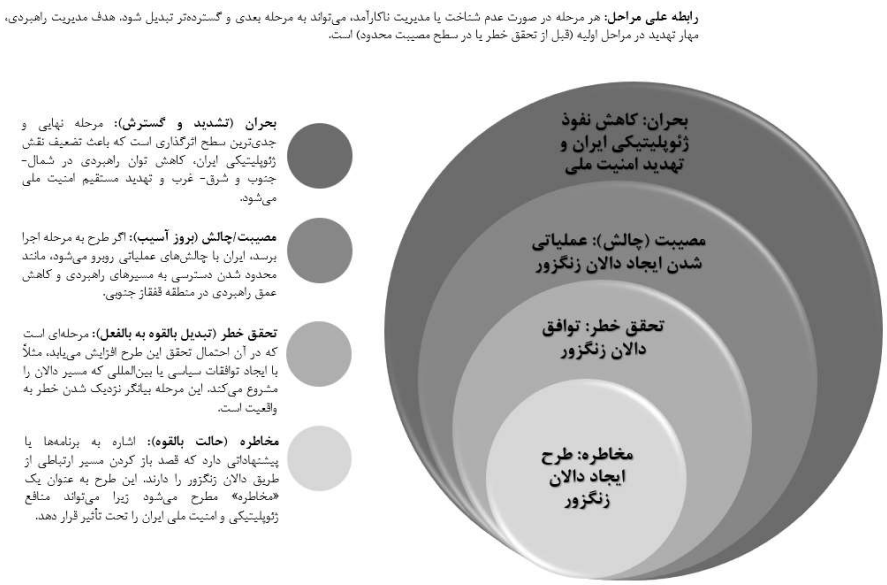
در بُعد حقوقی، بررسی اسناد توافقی و ادبیات حقوق بین‌الملل نشان داد که مفهوم «دالان» در مورد زنگزور با ابهام حقوقی جدی همراه است. این ابهام، به‌ویژه در صورت کاستن از نقش دولت ارمنستان در کنترل و نظارت بر مسیر، می‌تواند به تضعیف رویه‌های تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل

سرزمینی و ایجاد سابقه‌ای خطرناک در مدیریت گذرگاه‌های فرامرزی منجر شود. چنین روندی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به‌عنوان راه‌حل فنی برای مناقشات ترانزیتی معرفی شود، اما در بلندمدت نظم حقوقی منطقه‌ای را با بی‌ثباتی مواجه می‌سازد و زمینه‌ساز تعارضات جدید می‌شود.

در سطح ژئوپلیتیکی، دالان زنگزور ابزاری برای بازتوزیع قدرت فضایی در قفقاز جنوبی است. این دالان با تقویت پیوند ژئوپلیتیکی ترکیه–جمهوری آذربایجان و تسهیل حضور ایالات متحده، هم‌زمان به کاهش نقش سنتی ایران و روسیه در معادلات منطقه‌ای می‌انجامد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حذف یا کمرنگ‌شدن ایران از فرایندهای رسمی شکل‌دهی به نظم پساجنگ قره‌باغ، نه یک رویداد مقطعی، بلکه نشانه‌ای از تغییر تدریجی معماری ژئوپلیتیکی منطقه است؛ تغییری که پیامد آن، کاهش عمق راهبردی و اهرم‌های ژئوپلیتیکی ایران در قفقاز جنوبی خواهد بود.

در بُعد فضایی و عملیاتی، دالان زنگزور موجب بازآرایی شبکه‌های ترانزیتی و رقابت مستقیم با مسیرهای عبوری از ایران می‌شود. این بازآرایی، فراتر از پیامدهای اقتصادی، واجد آثار امنیتی است؛ زیرا تضعیف نقش ترانزیتی ایران به معنای کاهش پیوندهای عملکردی و ژئوپلیتیکی کشور با محیط پیرامونی و در نتیجه افزایش آسیب‌پذیری راهبردی در شمال‌غرب است. در این چارچوب، تهدید اصلی نه در قالب درگیری نظامی مستقیم، بلکه به‌صورت فرسایش تدریجی موقعیت ژئوپلیتیکی و حقوقی ایران بروز می‌یابد؛ وضعیتی که با رهیافت‌های نوین مطالعات امنیتی و نظریه‌های امنیت غیرسنتی هم‌خوانی دارد.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دالان زنگزور یک مخاطره ژئوپلیتیکی ـ حقوقی ساختاری برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود؛ مخاطره‌ای که از هم‌پوشانی تحولات فضایی، ابهامات حقوقی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی پدید آمده و در صورت عدم مدیریت فعال، می‌تواند به تضعیف پایدار جایگاه ایران در نظم منطقه‌ای منجر شود. از این رو، مواجهه با این پدیده مستلزم رویکردی تلفیقی، پیش‌نگر و چندسطحی است که حقوق بین‌الملل، ژئوپلیتیک و ملاحظات امنیت ملی را به‌صورت هم‌زمان در نظر گیرد.



شکل ۱ – مدل مفهومی جایگاه مخاطرات توافق و عملیاتی شدن دالان زنگزور برای امنیت ملی ایران در شرایط کنونی

۸. پیشنهادات راهبردی

در مواجهه با توافق جدید دالان زنگزور که مدیریت آن به یک کنسرسیوم آمریکایی (TRIPP)واگذار شده و نشانگر چرخش قطعی ارمنستان به سمت غرب و خروج از مدار روسیه است، راهبرد ایران باید کاملاً واقع‌بینانه و مبتنی بر این تغییر بنیادین باشد. راهکارهای عملیاتی در چهار محور خلاصه می‌شود:

امنیت و ژئوپلیتیک: تعریف شفاف «خطوط قرمز» (مانند مخالفت با تغییر مرزها یا استقرار نیروهای نظامی- امنیتی بیگانه در کریدور) و تمرکز بر ائتلاف عملیاتی با روسیه بر پایه منافع مشترک محدود در قفقاز، به‌عنوان تنها متحد برای حفظ حداقلی از موازنه.

اقتصاد و ترانزیت: شتاب اضطراری و تخصیص بودجه ملی به تکمیل پروژه‌های جایگزین داخلی، به ویژه خط ریلی رشت–آستارا و ارتقای مسیر ایران–ارمنستان، همراه با اعمال سیاست‌های ترانزیتی فوق رقابتی برای جذب محموله‌ها.

دیپلماسی: پیگیری دیپلماسی فعال مبتنی بر هزینه–فایده با اولویت هماهنگی با روسیه، گفت‌وگو با چین برای تضمین نقش ایران در کریدورهای بین‌المللی، و ارائه پیشنهادهای ملموس اقتصادی و امنیتی به ارمنستان برای کاهش وابستگی یک‌جانبه آن کشور به غرب.

مقابله با تهدیدات ترکیبی: تقویت برنامه‌های امنیت اجتماعی، مقابله با نفوذ و تاب‌آوری فرهنگی–هویتی در مناطق مرزی شمال غرب در برابر تبلیغات پان‌ترکیستی و تحریکات قومی.

بنابراین، راهبرد موفق، دوری از انفعال و شعار، و تمرکز بر اقدامات عملی پیش‌دستانه در داخل و تعامل هوشمندانه با بازیگران بر اساس منافع ملموس است.

۹. منابع و مراجع

[۱] احمدی، سیدعباس. هاشمی، سیدیوسف. (۱۳۹۷) ژئوپلیتیک و مخاطرات انسانی (چاپ اول)، انتشارات دانشگاه تهران.

[۲] استوار، مجید. نظر، هارمیک. (تابستان ۱۴۰۳). گرایش به شرق در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه‌ای چین. تعاملات دیپلماتیک، ۲(۵)، ۲۵۵–۲۹۵.

[۳] پور احمدی میبدی، حسین و فیض اللهی، مهدی . (۱۴۰۲). تشدید تنش در قره‌باغ و چالش منافع منطقه‌ای ایران در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳. مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۶(۲), ۷۵–۱۰۰.

[۴] جاجانی، مهرداد. سنائی، اردشیر. شیرزاد، حمیدرضا. (۱۴۰۲). متغیرشناسی و تحلیل اکتشافی–ساختاری تأثیر ایجاد دالان زنگزور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: ارائه سناریوی سازگار با بوم امنیتی ایران. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۶(۱۰۰)، ۱۷۷–۲۰۵.

[۵] حسین‌زاده،وحید. نصیری، بهزاد. (۱۴۰۳). تأثیر جنگ ۲۰۲۲ اوکراین بر کوریدورهای ترانزیتی قفقاز. مطالعات کشورها, ۲(۱), ۳۵–۶۳.

[۶] حسینی، مریم. (۲۱ مرداد ۱۴۰۴). رزمایش نظامی ارمنستان و آمریکا آغاز شد. باشگاه خبرنگاران جوان. ۸۹۸۷۷۱۰ https://www.yjc.ir.

[۷] رحمان حریری، کامران لطفی، عاطفه شهسواری، (۱۴۰۴). ژئوپلیتیک کریدور زنگزور و امنیت ملی ایران: مدلسازی تعاملات ائتلاف رقیب با چارچوب نظریه بازی ها، فصلنامه سیاست جهانی، ۱۴(۲)، ۱۴۵–۱۶۹.

[۸] دیپلماسی ایرانی. (۶ مرداد ۱۴۰۴). تقابل منافع در قفقاز؛ ایران، آذربایجان و بازیگران تازه‌وارد. کد : ۲۰۳۴۲۱۳. http://www.irdiplomacy.ir.

[۹] رنجبر حیدری، وحید. (۱۴۰۳). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در رقابت با کریدورهای تجاری بین‌المللی. تعاملات دیپلماتیک، ۲(۵)، ۱-۵۲.

[۱۰] صالحی، مهرداد. رئیسی نژاد، آرش . (۱۴۰۲). اتحاد آنکارا – باکو در جنگ دوم قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیّت ملّی ایران. فصلنامه سیاست خارجی. ۳۷(۲)، ۸۱-۱۰۸.

[۱۱] قادری حاجت، مصطفی. منیری، کامل و امیرپور قوجه بیگلو، ایرج. (۱۴۰۳). تأثیر راه‌گذر زنگه‌زور بر وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات اوراسیای مرکزی, ۱۷(۲). ۱۸۹-۲۱۳.

[۱۲] قائم مقامی، ع (۱۴۰۳). تاثیر جاده زنگزور بر موقعیت جغرافیایی ترکیه و ایران، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۵(۴)، ۴۰-۷۹.

[۱۳] گل کرمی، عابد و مصطفی پور،سجاد. (۱۴۰۳). دالان زنگزور و آینده موقعیت ژئوپلیتیک ایران. جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای, ۱۴(۵۶), ۱-۲۰.

[۱۴] محروق، فاطمه. نعیم نژاد، رسول. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر شبکه منطقه ای متداخل روسیه و ترکیه بر امکان و امتناع کریدور زنگزور. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل. دوره ۱۳، شماره ۱ – شماره پیاپی ۲۵، صفحه ۳۷۵-۳۳۱.

[۱۵] مقیمی، ا. (۱۳۹۳) دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر و محیط پایدارتر) (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تهران.

[۱۶] ممبینی، اشکان. (۱۴۰۲). اهمیت قفقاز جنوبی و لزوم مقابله با نفوذ غرب. راهبرد معاصر.

[۱۷] موسوی شهیدی، سید مهدی. وحدانی نیا، ولی اله. حسینی، سید ناصر . (۱۴۰۳). ایران در آستانه یک تقاطع ژئوپلیتیک: چالش‌های ناشی از سناریوی محتمل کریدور زنگزور. آینده‌پژوهی دفاعی. ۹(۳۵), ۱-۲۵.

[۱۸] Agnew, J., (2004). Geopolitics: Re-visioning world politics. Routledge.

[۱۹] Al Jazeera. (9 August 2025). Iran rejects planned transit corridor outlined in Armenia-Azerbaijan pact. Al Jazeera.

https://www.aljazeera.com/news/2025/8/9/iran-rejects-planned-transit-corridor-outlined-in-armenia-azerbaijan-pact.

[۲۰] Al Jazeera Centre for Studies. (2025, September 10). Azerbaijan-Armenia agreement: US entry upsets balance of power in the South Caucuses. Al Jazeera Centre for Studies. https://studies.aljazeera.net/en/policy-briefs/azerbaijan-armenia-agreement-us-entry-upsets-balance-power-south-caucuse.

[۲۱] Ali, S. R., & Mumtaz, S. (2025). POLITICS OF CORRIDORS-EMERGING SUB-REGIONAL SECURITY COMPLEX IN SOUTH ASIA. International Journal of Social Sciences Bulletin, 3(1), 947-967.

[۲۲] Buzan, B. (2008). People, states & fear: an agenda for international security studies in the post-cold war era. ECPR press.

[۲۳] Buzan, B., Wæver, O. and De Wilde, J., (1998). Security: A new framework for analysis. Lynne Rienner Publishers.

[۲٤] Buzan, B., & Waever, O. (2003). Regions and powers: The structure of international security (Vol. 91). Cambridge University Press.

[۲٥] Civil Net. (8 August 2025). OPINION – The Dead End Corridor. https://www.civilnet.am/en/news/967844/opinion-the-dead-end-corridor.

[۲٦] Dalby, S., (2002). Environmental security (Vol. 20). U of Minnesota Press.

[۲۷] de Waal, T. (2021). In the South Caucasus, can new trade routes help overcome a history of conflict? Carnegie Endowment for International Peace.

[۲۸] Eurasia Review. (2024). The Zangezur Corridor and the new geopolitics of the South Caucasus. https://www.eurasiareview.com/22072025-us-management-of-the-zangezur-corridor-in-the-caucasus-iran-wont-like-it-analysis.

[۲۹] Flint, C., (2021). Introduction to geopolitics. Routledge.

[۳۰] Goble, P. A. (1992), "Coping with the Nagorno-Karabakh Crisis", Fletcher F. World Affairs, 16, 19.

[۳۱] Guliyev, Vusal. (August 5, 2025). Zangezur Corridor Emerges as Key to Azerbaijan-Armenia Reconciliation.Modern diplomacy. https://moderndiplomacy.eu/2025/08/05/zangezur-corridor-emerges-as-key-to-azerbaijan-armenia-reconciliation.

[۳۲] Holland, Ben. (9 August 2025). Trump’s Caucasus Gambit to Open New East-West Trade Corridor. Bloomberg. https://www.bloomberg.com/news/newsletters/2025-08-09/trump-s-

caucasus-gambit-opens-new-east-west-trade-corridor-new-economy?srnd=homepage-asia.

[۳۳] Kaldor, M. (2013). New and old wars: Organised violence in a global era. John Wiley & Sons.

[۳٤] Khachidze, M., & Geybullayeva, A. (2025, August 16). Trump, Aliyev, and Pashinyan’s historic agreement: A chance for peace?. Global Voices. https://globalvoices.org/2025/08/16/trump-aliyev-and-pashinyans-historic-agreement-a-chance-for-peace.

[۳٥] KIM, SEUNG MIN . PRICE, MICHELLE L. (9August 2025).Leaders of Armenia and Azerbaijan shake hands and sign deal at White House peace summit. The Associated Press. https://apnews.com/article/donald-trump-white-house-armenia-azerbaijan-069379e9c4a058c96af38afbf4684829.

[۳٦] Kawas, M. (2025, August 19). America on Iran’s borders: The implications of the Armenia–Azerbaijan agreement. Progress Center for Policies. https://www.arabprogress.org/en/america-on-irans-borders-the-implications-of-the-armenia-azerbaijan-agreement.

[۳۷] Mammadli, M. (2025, September 9). Geopolitical and geoeconomic benefits of opening the Zangezur Corridor (TRIPP). Aze.Media. Retrieved from https://aze.media/geopolitical-and-geoeconomic-benefits-of-opening-the-zangezur-corridor-tripp.

[۳۸] Newman, D. (2006). The lines that continue to separate us: borders in ourborderless' world. Progress in Human geography, 30(2), 143-161.

[۳۹] Omidi, A. (2025). Iran's perceived geopolitical concerns regarding the implementation of article 9 of the Armenia-Azerbaijan Armistice Agreement (2020) (No. 2025-9). Ordnungspolitische Diskurse.

[٤۰] Piotrowski, M., & Wojtasiewicz, W. (2025, November 3). The American path to peace between Armenia and Azerbaijan. PISM Bulletin.

[٤۱] Rubin. (31 July 2025). The Zangezur Corridor: The Geopolitical Flashpoint You’ve Never Heard Of.National Security Journal.https://nationalsecurityjournal.org/the-zangezur-corridor-the-geopolitical-flashpoint-youve-never-heard-of.

[٤۲] Sacan, R. (2023). Geostrategic analysis of the Zangezur Corridor. Center of Economic and Social Development (CESD).